

آتش و مانور

اکبر توکل^۱

چکیده

آتش و مانور همواره از مهم‌ترین عناصر توان رزمی بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در استراتژی هدایت نبرد داشته‌اند. در گذشته‌های بسیار دور، عنصر آتش را تفنگ‌های فتیله‌ای و سپس تفنگ‌های چخماقی و عنصر مانور را یگان‌های پیاده و سوار اسبی تشکیل می‌دادند. در قرن نوزدهم عملیات با آتش مسلسل‌ها و توپخانه سبک پشتیبانی می‌گردید اما همچنان تاکتیک تغییر چندانی ننموده بود. در نیمه اول قرن بیستم اختراع تانک منجر به ابداع تاکتیک پدافند متحرک با پشتیبانی آتش انبوه گردید که تا مدت‌ها، مفاهیم تاکتیکی آفند و پدافند در ارتش‌ها از آن نشأت می‌گرفت. در واپسین سال‌های قرن بیستم پیشرفت‌های شگرفی در زمینه سلاح‌های کالیبر کوچک، مهمات و سلاح‌های هوشمند، موشک‌های سطح به سطح، سیستم موقعیت یاب جهانی، تصاویر ماهواره‌ای، فناوری هلیکوپتر و هواپیماهای جنگی نظیر استیلث پدید آمد که بالقوه مانور را موخر بر آتش نمود. جنگ کوزوو، جنگ اول خلیج فارس، عملیات تجاوز آمریکا به افغانستان و عراق نمونه‌های اخیر هستند که در آن‌ها عنصر آتش عملیات نیروهای مانوری را تسهیل و عنصر مانور را به یک جابجایی ساده نیروها برای اشغال اهداف از پیش خنثی شده تبدیل نموده است. فضای جنگ آینده بی‌شک بسیار مرگ‌بار، غیرخطی، سیال و غیرایستا خواهد بود. به دلیل مرگباری بیش از اندازه سلاح‌های پشتیبانی آتش، یگان‌ها برای حفظ موجودیت خود نیازمند تفرقه شدیدتر و تحرک بیشتر می‌باشند. موقعیت‌های

۱- معاون پژوهش دافوس آجا و دانشجوی دکتری دفاع ملی

پیروزی در چنین محیطی سریع الزوال بوده و به دست آوردن و حفظ کنترل میدان نبرد بسیار مشکل خواهد بود.

ایجاد و توسعه شرایط مطلوب تنها از طریق افزایش تحرک و قدرت آتش یگان‌هایی با اندازه کوچک‌تر و تجهیزات پیشرفته‌تر (حتی در شرایط دشوار و نامطلوب) امکان پذیر خواهد بود. آتش و مانور دو روی یک سکه هستند لذا در عمل هیچ مانوری بدون پشتیبانی آتش امکان پذیر نبوده و هیچ آتشی بدون توسعه وضعیت از طریق گسترش مناسب نیروها (مانور) موثر نخواهد بود. انقلاب در فناوری نظامی به طور مسلم بر وضعیت ارتش‌ها در خاورمیانه تاثیر گذارده است لذا جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشور و ارتش برتر در منطقه می‌بایست با تکیه بر توانمندی‌های ملی خود در راه برخورداری از فناوری‌های نوین قدم‌های اساسی برداشته و نسبت به نهادینه نمودن توانمندی‌های حاصله در سال‌های اخیر در کشور بخصوص در زمینه موشک‌ها و سلاح‌های پشتیبانی آتش همت بگمارد.

واژگان کلیدی: آتش، مانور، فناوری، توان رزمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

"پیروزی به روی کسانی لبخند می‌زند که قادرند تغییرات در ماهیت جنگ‌ها را پیش بینی نمایند."

جولیو دوخت^۱

در جنگ جهانی دوم ایالات متحده روزانه بیش از ۴۰۰۰ تن مواد منفجره را بر سر آلمان فرو می‌ریخت و در عین حال اثراتی به مراتب کمتر از یک بیستم تاثیر عنصر آتش را در جنگ اول خلیج به دست می‌آورد. عنصر اصلی نبرد در صحنه جنگ‌های سنتی عمدتاً مانورهای بزرگ نیروهای مکانیزه‌ای بوده است که برای به دست آوردن پیروزی‌های تاکتیکی و استراتژیکی با پشتیبانی آتش کافی و مناسب ترکیب می‌گردیده است. هم‌اکنون با افزایش روزافزون قدرت آتش، برد، سرعت و دقت سلاح‌های پشتیبانی آتش این سوال بیش از پیش مطرح می‌گردد که آیا آتش بر مانور مقدم گردیده است؟ و آیا مانورهای امروزی تنها برای تکمیل عملیات آتشباری و ایجاد انسجام و حفظ و تحکیم دست آوردهای حاصل از اثرات آتش انجام می‌شود؟ در این مقاله سعی شده است تا با نگاهی تحلیلی دیدگاه نگارنده در این خصوص تشریح گردد.

تاریخچه آتش و مانور

بشر از بدو حیات با جنگ افزار مانوس بوده است. طی قرون متمادی، پیشرفت و توسعه فناوری چهره جنگ‌ها را دگرگون نموده است لیکن اصول حاکم بر میدان نبرد همچنان پایرجا مانده است. آتش و مانور دو وجه اصلی نبرد هستند که در محیط متغیر میادین نبرد همواره نقش جایگزین یا مکمل را برای هم ایفا نموده‌اند.

^۱- ژنرال ارتش ایتالیا (۱۹۳۰-۱۸۶۹) که پدر استراتژی قدرت هوایی نام گرفته و طرفدار جنگ افزار هوایی و استراتژی بمباران بوده است.

الف - مانور: جابجایی به معنای حرکت نیروها از یک نقطه به نقطه دیگر و مانور عبارت از حرکت نیروهای رزمی برای به دست آوردن یک موقعیت برتر نسبت به نیروهای متخاصم و زیر آتش قرار دادن یا در برد آتش قرار دادن آنها می‌باشد. مانور وسیله‌ای است که نیروها در لحظات سرنوشت ساز و بحرانی نبرد برای غافلگیری، ضربت، دور تک و برتری روحیه و میل جنگی از آن بهره می‌برند. فرماندهان موفق می‌ادین نبرد همواره از مانورهای سریع برای غافلگیری و ناتوان ساختن دشمن بهره برده‌اند.

قدیمی‌ترین مورد ثبت شده در تاریخ جنگ‌ها، نبرد ترموپیلای^۱ می‌باشد (۲) که در آن در سال ۴۸۰ پیش از میلاد ارتش خشایارشا با مانوری سریع اسپارتی‌ها را محاصره و



لئونیداس و ۳۰۰ نفر باقیمانده ارتش متواری یونان را در گذرگاه ترموپیلای به سختی شکست دادند.^۲ (نقشه مقابل)

مورد دیگر نبرد لیوکترا^۳ در سال ۳۷۱ پیش از میلاد است که در آن ارتش تبان‌ها^۴ با یک تک غافلگیرکننده بر اسپارت‌ها پیروز گردیدند (۳). پیروزی هانیبال بر رومیان در

کانایی در سال ۲۱۶ پیش از میلاد نیز یکی از مصادیق تاریخی برای مانور تاکتیکی موفقیت آمیز می‌باشد.

^۱ - ترموپیلای (Thermopylae) گردنه‌ای در یونان، بین کوه اویته و خلیج مالیک

^۲ - "جنگ پارسی‌ها" اثر هرودوت

^۳ - لیوکترا (Leuctra) دهکده‌ای در یونان قدیم در بوئوتیا (Boeotia) در هفت مایلی جنوب غرب شهر تبس

(Thebes) می‌باشد. امروزه این شهر با نام لفتکترا (Lefktra) شهرت دارد.

^۴ - Thebans

مروری بر جنگ‌ها و نظریات نظریه پردازان به درک بهتر مفاهیم مانور کمک خواهد نمود.

۱- **نبردهای چنگیز خان:** این نبردها حاوی دروس تاکتیکی زیادی در خصوص مانور می‌باشد. چنگیز با سازماندهی ویژه‌ای توانست که قدرت تحرک بی سابقه‌ای را تا آن زمان در ارتش خود ایجاد نماید. تاکتیک ویژه چنگیز خان محاصره و جداسازی بخشی از نیروهای دشمن و انهدام آنان قبل از اینکه هر گونه واکنش از خود نشان دهند بود. نبردهای او به مفاهیم کلاسیک تاکتیک به ویژه در زمینه اعمال فشار برای جداسازی و انهدام نیروهای دشمن بسیار کمک نموده است. (۴)

۲- **جنگ‌های ناپلئون:** نبوغ جنگی ناپلئون در ابداع روش‌های نوین ظهور نیافته، بلکه هنر وی در ترکیب تجربیات فرماندهان پیش از خود به خصوص نادر شاه افشار بوده است. وی اگرچه هرگز مانورهای خود را دسته بندی نمود اما به طور مشخص از سه تاکتیک به طور مجزا یا ترکیبی به شرح زیر سود برده است.

۲-۱- مانور احاطه ای

۲-۲- تاکتیک موضع مرکزی

۲-۳- مانور رخنه‌ای

۳- **لیدل هارت^۱:** وی از طرفداران پیشروی غیر مستقیم برای دستیابی به سه مزیت زیر بود. (۵)

۳-۱- پرهیز از عمده قوای دشمن

۳-۲- فریب دشمن از منطقه اصلی نبرد

۳-۳- شناسایی و تک به نقاط آسیب پذیر دشمن

¹ - Sir Basil Henry Liddell Hart (31 October 1895 – 29 January 1970),

۴- **جنگ جهانی اول:** در جنگ جهانی اول مفاهیم پیروزی در نبرد از کشتن و انهدام نیروهای دشمن به از معرکه به در کردن آن‌ها تغییر یافت. در این جنگ عمدتاً از مناطق و زمین‌ها برای دور زدن نقاط قوت دشمن و رخنه در عمق مواضع وی استفاده می‌شد و نیروهای پیاده دشمن که بدین ترتیب جدا می‌افتادند در پشت نیروهای تک‌ور برای نیروهای دنبال و پشتیبان رها می‌شدند.

۵- **حمله رعدآسا:** تاکتیک آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم که از تحرک تانک‌ها و یگان‌های پیاده موتوریزه همراه با آتش پشتیبانی توپخانه و بمب افکن‌های سبک برای تمرکز قوا بر بخشی از نیروی دشمن استفاده می‌نمودند به حمله رعدآسا شهرت یافته است. این تاکتیک که اولین بار توسط سرهنگ فولر (Colonel JFC Fuller) مطرح گردید مفاهیم زیر را توسعه داده است. (۶)

۱-۵- شناسایی و انهدام نقاط ثقل دشمن

۲-۵- طراحی و اجرای دوره‌ای رزم

۳-۵- پیدا کردن فواصل بین نیروهای دشمن و بهره‌برداری از آن برای توسعه وضعیت

ب - آتش: حدفاصل بین قرون ۱۲ تا ۱۸ میلادی کاربرد سلاح‌های آتشین از چین به آسیای مرکزی و اروپا و سپس سراسر جهان گسترش یافت. در طول قرون متمادی تاریخ نظامی دستخوش تحولات زیادی گردیده است. مهم‌ترین این تحولات موسوم به انقلاب در امور نظامی^۲ می‌باشد که محور اصلی و مهم آن قدرت آتش می‌باشد. این تحول در زمینه ابداع و تولید سلاح‌های پشتیبانی آتش با خط سیر مستقیم و منحنی، مهمات متنوع و وسایل الکترونیکی و اپتیکی پیشرفته برای آن می‌باشد که منجر به دستیابی به قدرت

^۱ -Blitzkrieg

^۲ -Revolution in Military Affairs(RMA)

آتش، دقت و سرعت در اجرای آتش گردیده است. ویژگی‌های عمده قدرت آتش در نبردهای امروزی عبارتند از:

- ۱- **ضربات دقیق:** ضربات دقیق سلاح‌های پشتیبانی آتش به عنوان مهم‌ترین معلول انقلاب در امور نظامی مطرح گردیده است. این دقت، به توانایی تعیین موقعیت و انهدام هدف‌های عملیاتی و استراتژیکی، بدون آسیب رساندن به نقاط همجوار اطلاق می‌گردد.
 - ۲- **مهمات هدایت شونده دقیق:** در طول دو دهه اخیر، فناوری مهمات هدایت شونده دقیق رشد نموده است به نحوی که در جنگ‌های کوزوو، بوسنی و خلیج فارس بمب‌های هوشمند پرمصرف‌ترین مهمات در حملات هوایی نیروهای متجاوز بوده است.
 - ۳- **قدرت آتش فراوان:** قدرت آتش سلاح‌های جدید نظیر نسل سوم سلاح‌های آتش‌کن و فراموش‌کن^۱ که قادر به خنثی نمودن اهداف در یک بار حمله می‌باشند، سبب وابستگی بیش از پیش طراحان و فرماندهان میدان نبرد به سلاح‌های پشتیبانی آتش گردیده است.
 - ۴- **برد بلند:** سلاح‌های جدید قادرند که ریسک کاربرد نیروها در مانورهای خطرناک را کاهش داده و اهداف مورد نظر را در هر جای جهان با دقت قابل ملاحظه مورد تک‌قرار دهند.
- قبل از بیان رابطه بین آتش و مانور در نبرد آینده لازم است که این دو مفهوم دقیق‌تر بیان گردند.
- مانور:** کلاوزویتس معتقد است "مانور در حقیقت بازی بین نیروهای متوازن برای به وجود آوردن شرایط مطلوب و بهره‌برداری از آن برای به دست آوردن برتری بر طرف مقابل می‌باشد." به عبارت دیگر مانور عبارتست از جابجایی نیروها در میدان نبرد برای

¹ - Fire and Forget Weapons

انجام ماموریت؛ به عنوان مثال تلاش برای بدست آوردن موقعیتی در ارتباط با دشمن که از آن طریق بتوان دشمن را زیر آتش گرفته و یا در تیررس قرار داد. مانور مهم ترین وسیله برای اجرای اصول تمرکز تلاش و صرفه جویی در قواست. مانور از عوارض زمین و تحرک نیروهای خودی و تجهیزات تاثیرپذیر است. مانور تنها به زمین منحصر نبوده و تحرک هوایی و عبور از آب از اجزای مهم آن می باشند. (۷)

آتش: توسعه قدرت آتش بایستی بر روی افزایش قابلیت درگیری با اهداف مهم تر و با دقت بیشتر از یک سکو با درجه آسیب پذیری کم تر متمرکز گردد. آتش وسیله ای برای صرفه جویی در قوا و حفظ توان رزمی نیروها می باشد تا بدین ترتیب حداقل نیرو در معرض درگیری مستقیم با دشمن قرار گرفته و فقط وقتی وارد عمل شود که هدف فیزیکی با مزیت و برتری تاکتیکی در دسترس قرار گرفته باشد. آتش نقش تعیین کننده ای در انهدام دشمن و وارد آوردن تلفات و خسارات داشته و آرایش او را برهم زده، دور تک وی را کند نموده، مقاومتش را درهم شکسته و حرکت نیروهای خودی را تسهیل می نماید. (۸)

اثر بخشی آتش به عمق، شدت، زمان اجرا و مدت آن و وسعت منطقه پوشش آن بستگی دارد. اگرچه آتش علاوه بر اثرات فیزیکی، اثرات روانی نیز دارد و سبب حفظ نیروهای مانوری می شود اما به تنهایی فقط می تواند یک منطقه را پوشش داده یا کنترل نماید؛ ولی تصرف و حفظ زمین نیاز به ترکیب آن با مانور دارد. به طور خلاصه آتش سه عملکرد دارد:

- ۱- فراهم نمودن امکان مانور نیروهای خودی برابر طرح عملیاتی از طریق مختل و خنثی نمودن دشمن.
- ۲- از بین بردن سیستم فرماندهی و کنترل، سیستم پشتیبانی آتش، سیستم آماد و پشتیبانی و سایر سیستم های دشمن به نحوی که توان مقاومت از وی سلب شود.
- ۳- از بین بردن اراده و توان مقابله دشمن

کاربرد آتش: برای کاربرد موثر آتش شرایط و ملاحظات زیر باید رعایت شود:

- ۱- برای ایجاد حداکثر همبستگی و وحدت تلاش، آتش باید با سایر فعالیت‌های میدان نبرد از نظر زمان، مکان و هدف هماهنگ و یکپارچه گردد.
- ۲- آتش باید در همه سطوح فرماندهی هماهنگ گردد. بهره‌برداری از حداکثر قدرت آتش فقط در صورت طرح‌ریزی تمرکزی و اجرای غیرتمرکزی آن که انعطاف‌پذیری را افزایش می‌دهد، مقدور می‌باشد.
- ۳- سیستم‌های تجسس آماج باید در ارتباط بلاواسطه با سیستم‌های پشتیبانی آتش قرار داشته باشند.
- ۴- تحرک، حفاظت و ظرفیت سیستم‌های آماج و پش برای وسایل پشتیبانی آتش باید در اختیار یگان پشتیبانی شونده قرار داشته باشد.

رابطه بین آتش و مانور

فرمانده یک یگان مانوری که در صدد اجرای مأموریت خویش است باید حداکثر مهمات لازم را در زمان و مکان مورد نیاز در دسترس داشته باشد. او باید همه منابع آتش موجود را در دست داشته و آتش آن‌ها را هماهنگ با نوع آماج در منطقه هدف به کار گیرد. تجربه جنگ خلیج و عملیات تجاوز به افغانستان و عراق نشان داد که موشک‌های کروز، مهمات هوشمند، سورتی‌های پرواز، هلیکوپترهای هجومی و توپخانه دوربرد مانور نیروها را بسیار تسهیل می‌نمایند. بقای نیروهای زمینی به مقدار زیادی به تداوم چتر حمایتی بالای سر آن‌ها به خصوص در مراحل اولیه عملیات بستگی دارد. نیروهای مانوری باید در حین اجرای پشتیبانی آتش هوایی و زمینی رزمایش نموده و به آن عادت نمایند.

تعامل آتش و مانور در عملیات آینده نیروهای فرمانطقه‌ای به ماهیت آن جنگ بستگی دارد. در جنگ‌های با مقیاس کوچک ضرب‌آهنگ سریع عملیات، کاربرد

یگان‌های پیاده کوچک و چابک را ضروری می‌سازد. در چنین نبردی آتش پشتیبانی عمدتاً توسط سلاح‌های همراه نیروی مانوری نظیر خمپاره‌اندازها برای مرحله یورش و راکت/موشک‌های دوش پرتاب برای از بین بردن مقاومت‌های به جامانده تامین می‌گردد. آتش در این سطح از عملیات طوری طرح‌ریزی می‌گردد که با انتقال سریع آن به نقاط حساس و بحرانی اثرات روانی انهدام نیروهای مقابل را افزایش دهد. در عملیات با مقیاس متوسط آتش بیشتری به کار گرفته می‌شود تا به سرعت و با حداقل هزینه پیروزی حاصل شود. در هر دو این عملیات اغلب تلفات ناشی از آتش توپخانه و خمپاره‌اندازها می‌باشد. در یک عملیات بزرگ؛ نظیر عملیات تجاوز به افغانستان و عراق؛ آتش پشتیبانی باید اراده مقاومت نیروی متخاصم را قبل از آغاز رزم نزدیک از بین برده باشد. این آتش باید وی را به قدری ضعیف کرده باشد که رزم نزدیک در عمل برای دستگیری و جمع‌آوری اسرا اجرا شود نه برای کشتار آنان. رزم تن به تن با دشمنی که میل جنگی و توان رزمی خود را حفظ نموده باشد هزینه گزافی بر نیروهای مانوری پیاده و زرهی تحمیل می‌نماید. درگیری متخاصمین با قدرت آتش متعادل فقط سبب افزایش تلفات نبرد می‌گردد و این در حالی است که هدف غایی از اجرای آتش‌های پشتیبانی تقویت توان رزمی نیروهای محدود مانوری و جلوگیری از تلفات فاجعه آمیز در میدان نبرد می‌باشد. یک نیروی مانوری در هر حال باید پیروزی در عملیات را با مانور اثربخش و پشتیبانی آتش موثر به دست آورد. بنابراین آنچه که گفته شد مشخص است که رابطه بین آتش و مانور مانند رابطه بین دو لنگه یک دستکش است که هر کدام بدون دیگری ناقص می‌ماند. بنابراین هنر طراحان و فرماندهان در ترکیب و تلفیق مناسب و موثر آتش و مانور جلوه می‌کند.

آتش و مانور در عملیات آینده

پیروزی در جنگ آینده نیز بی شک مرهون کاربرد موثر و هماهنگ عناصر آتش و مانور خواهد بود. این ترکیب نیاز به سکوهاى آتش متنوع، متحرک، چابک و حفاظت شده با طیف وسیعی از قدرت آتش (از منهدم کننده تا ناتوان کننده) دارد. دقت در انتخاب مهمات، آماج یابی و هدف گیری بسیار اهمیت دارد. یک مسئله بحرانی در عملیات آینده سرعت تغییر در ابزار به ویژه سلاح‌های پشتیبانی آتش و نیازمندی تطبیق سریع تاکتیک‌های نیروهای مانوری با مقدمات و محدودیت‌های آنها می‌باشد به نحوی که بین کاربرد مقدمات و اجتناب از مخاطرات وسایل پشتیبانی آتش نوین و نحوه عمل نیروهای مانوری در نزدیکی و تحت حمایت آنها هماهنگی و تعادل برقرار گردد. آتش‌های مستقیم و غیر مستقیم توان بالقوه مقاومت دشمن را خنثی نموده و روحیه و انسجام وی را از بین برده و مانور سریع و قاطع او را مختل می‌نماید.

دکترین عملیاتی نیروهای فرماندهی از زمان جنگ خلیج فارس تحول اساسی پیدا نموده به نام عملیات هوایی-زمینی شهرت یافته است. (۹) در این دکترین بر روی حضور نظامی نیروهای فرماندهی در مناطق مختلف جهان (به صورت محدود و به عنوان پیشرو) تاکید گردیده است که در صورت نیاز توسط نیروهای قاره‌ای تقویت خواهد گردید. این نیروها موظف هستند در صورت بروز هر گونه درگیری پیش از وارد عمل شدن عمده قوا فرسایش کافی را در نیروی متخاصم ایجاد نمایند. نکته کلیدی این استراتژی وارد عمل شدن عمده قوا در یک محیط عملیاتی مساعد و مطلوب است که توان رزمی نیروی متخاصم پیش از آن از یک فاصله ایمن توسط ناوگان دریایی، لانچرهای موشک و آتش توپخانه و جنگنده‌ها به شدت تضعیف و یا کاملاً منهدم گردیده است. اصول کلی چنین عملیاتی به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- **آماج‌یابی و جمع‌آوری اطلاعات:** این مرحله مهم‌ترین بخش این استراتژی است که بر روی جمع‌آوری اطلاعات لحظه‌ای^۱ از نحوه به کارگیری ابزارهای مراقبت و شناسایی توسط نیروی مقابل در حین عملیات متمرکز می‌گردد. هدف از این تمرکز تدارک پاسخ درخور و مناسب بر اساس نیازمندی‌ها، مقدمات و محدودیت‌های نیروی متخاصم می‌باشد.
- ۲- **تفوق قاطع:** کسب اطمینان از عدم توانایی پدافندکننده در درگیر شدن قطعی قبل از وارد عمل شدن عمده قوا الزامی است.
- ۳- **سازمان دهی:** سازمانی هوشمند از عناصر جمع‌آوری اطلاعات، طرح‌ریزی، هماهنگی، نظارت و پشتیبانی هوایی و غیره باید ایجاد شود. این سازمان در پاسگاه اصلی فرماندهی یگان مانوری مستقر شده و دارای بخش‌های زیر می‌باشد:
- ۳-۱- بخش طرح‌ریزی
- ۳-۲- بخش پشتیبانی آتش
- ۳-۳- بخش هماهنگی عملیات در عمق (عملیات آینده)
- ۳-۴- بخش اطلاعات رزمی
- ۳-۵- بخش هدایت عملیات جاری
- ۴- **ستاد خبره:** یک تیم کاری خبره با حضور فرمانده، رئیس ستاد، افسر عملیات، افسر اطلاعات، افسر تطبیق آتش، افسر آماج، افسر رابط توپخانه ساحلی، افسر ستاد هوایی، افسر جنگ الکترونیک/اطلاعات، افسر رابط نیروی هوایی، افسر بهداری، فرمانده یگان مراقبت برد بلند، افسر توپخانه صحرائی، افسر مهندس و افسر عملیات روانی تشکیل می‌گردد.

- Real Time Information

۵- **روش شناسی عملیات**: روش شناسی این عملیات از چهار گام تصمیم سازی، جستجوی اهداف (آماج یابی)، درگیری و ارزیابی مشروح از نتایج درگیری تشکیل شده است.

بر اساس اصول فوق و استراتژی موسوم به "غافلگیری و ارباب"^۱ پنتاگون در تجاوز سال ۲۰۰۳ به عراق با به کار بردن بیش از ۸۰۰ موشک کروز طی دو روز بارانی از حجم آتش را فرو ریخت و به صورت فیزیکی، احساسی و روانی این کشور را فرو شکست. (۱۰) حملات هوایی انبوه بر علیه همه اهداف ممکن شامل منابع تامین برق و آب با بیش از ۳۰۰۰ موشک و بمب هوشمند به اجرا درآمد. علی‌رغم این حقیقت که استعداد ارتش عراق در مقایسه با سال ۱۹۹۱ (جنگ اول خلیج) به یک سوم تقلیل یافته بود نیروهای فرمانطقه‌ای شیوه عملیاتی موسوم به جنگ هوشمند را با استفاده از همه سیستم‌های مراقبتی موجود شامل ماهواره و جی‌پی‌اس به کار گرفتند که در آن پس از تعیین موقعیت دقیق اهداف، جنگنده بمب‌افکن‌ها و هلیکوپترهای آپاچی برای پرتاب بمب‌ها و موشک‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

هدف نهایی از اتخاذ استراتژی "غافلگیری و ارباب" زمین‌گیر نمودن نیروهای عراق در کوتاه‌ترین زمان ممکن و تقلیل یا از بین بردن خطرپذیری نیروهای مانوری هنگام وارد عمل شدن بود. به این ترتیب نشان داده شد که آتش تا چه اندازه می‌تواند بر تسهیل و تامین مانور نیروهای تک‌ور تاثیر گذار باشد. (۱۱)

^۱ - این استراتژی که برای کسب برتری سریع ابداع شده است یک دکترین نظامی است که بر اساس استفاده از نیروی مانوری قدرتمند، تفوق اطلاعاتی بر میدان نبرد، کاربرد وسیع و قدرتمند آتش و نمایش بیروزمندانه قدرت برای انهدام یا ناتوان ساختن دشمن بنا نهاده شده است و برای اولین بار در تجاوز سال ۲۰۰۳ به کشور عراق به مورد اجرا گذارده شد.

نتیجه

- ۱- انقلاب در امور نظامی هر روزه ابزار و فناوری‌های نوینی را ارائه می‌نماید که سبب ایجاد تغییر در دکترین نظامی ارتش‌ها می‌گردد. اما این تغییرات هرگز شامل عناصر اصلی توان رزمی (نظیر آتش و مانور) نشده و فقط اهمیت، سهم، تقدم و رابطه آن‌ها را از نو تعریف می‌نماید.
- ۲- در جنگ آینده مانور پس از کاربرد غافلگیرانه آتش و حصول اطمینان از ناتوانی نیروی مقابل در انجام عملیات موثر اجرا خواهد شد. در این روش سیستم پدافندی نیروهای مقابل از هم تفکیک و زمین پس از اجرای آتش انبوه بر روی خطوط مواصلاتی وی از طریق مانور سریع تصرف یا تامین می‌گردد.
- ۳- "ضربه دقیق" شناخته شده‌ترین حوزه اثر انقلاب در امور نظامی است که به توان تعیین موقعیت و انهدام اهداف عملیاتی و استراتژیکی مهم با حداقل آسیب به مناطق و اهداف همجوار اطلاق می‌شود. ورود مهمات هدایت شونده دقیق در عرصه نبرد امکان اجرای حملات استراتژیکی را بدون ایجاد کشتار جمعی فراهم نموده است.
- ۴- مرگباری سیستم سلاح‌های نوین (نظیر نسل سلاح‌های آتش‌کن و فراموش‌کن که قادر به از بین بردن اهداف در یک ضربه می‌باشند) سبب وابستگی روزافزون فرماندهان به پشتیبانی آتش و کم‌رنگ شدن نقش تعیین‌کننده مانور در مراحل اولیه عملیات گردیده است.
- ۵- اگرچه سلاح‌های جدید قادرند هر هدفی را در هر نقطه از جهان با دقت قابل ملاحظه مورد اصابت قرار دهند و بدین ترتیب مخاطرات ناشی از ورود نیروهای مانوری در میادین نبرد را تقلیل دهند، اما تاکنون دکترینی مبنی بر امکان کسب پیروزی بر اساس کاربرد یک بعدی آتش پدید نیامده و تعامل و ترکیب آتش و مانور همچنان پابرجاست.

۶- نیروها برای انجام مانورهای موفقیت آمیز نیاز به بهره‌برداری از مزیت‌های فناوری‌های نوین نظامی در زمینه آتش به صورت خودکافی و یا پشتیبانی مستقیم دارند.

پیشنهادات

۱- بهره‌برداری متوازن نیروهای مسلح از فناوری‌ها و سیستم‌های نوین تسلیحات و تجهیزات و پرهیز از یک جانبه‌گرایی.

۲- توسعه متوازن در توانمندی نیروهای مسلح در زمینه ابزار و تجهیزات مرتبط با آتش و مانور

منابع:

- 1- http://en.wikipedia.org/wiki/Giulio_Douhet
- 2- http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_Wars و
http://dictionary.reference.com/browse/battle_of_Thermopylae
- 3- <http://en.wikipedia.org/wiki/Leuctra>
- 4- http://en.wikipedia.org/wiki/Genghis_Khan
- 5- http://en.wikipedia.org/wiki/Basil_Liddell_Hart
- 6- <http://en.wikipedia.org/wiki/Blitzkrieg> و <http://www.britannica.com/eb/article-9015664/blitzkrieg> و <http://www.achtungpanzer.com/blitz.htm>
- 7- <http://en.wikipedia.org/wiki/Manoeuvre>
- 8- http://en.wikipedia.org/wiki/Fire_power
- 9- Systematizing Effect Based Air Operations by Maj K. Noedskov at <http://www.airpower.au.af.mil/airchronicles/cc/noedskov.html>
- 10- http://en.wikipedia.org/wiki/Shock_and_awe
- 11- Shock and awe Doctrine, [Harlan K. Ullman](#) and [James. P. Wade](#), [National Defense University of the United States](#)
- 12- Warfare Foundation Studies, Military History Primer – 2003, Vol 1 & 2, Command & Staff College, Quetta, Pakistan